رکورددارانو نسل‌های سوخته

در تمام دنیا و برای تمام بازیکنان ریز و درشت حضور و بازی در جام جهانی افتخاری است عظیم که بالاتر از آن در دنیای فوتبال وجود ندارد.

به همین دلیل بازی و گلزنی و حضور در جام جهانی را به‌عنوان یکی از المان‌های افتخار در کارنامه هر کس یاد می‌کنند. اما در کشور ما و در مقابل بازیکنان رکورددار حضور و بازی در جام جهانی، چه بسیار بازیکنانی هستند که در عین توانایی‌های فنی بنا به شرایط زمانه از این افتخار بزرگ محروم ماندند.

اگر از دهه هشتاد میلادی و شانس قهرمانی در جام ملت‌های ۸۴ و ۸۸ و حضور در دو جام جهانی ۸۲ و ۸۶ بواسطه درگیری کشور با دفاع مقدس فاکتور بگیریم و رویداد مهم‌تر را بپذیریم، از دهه ۹۰ به بعد وادواریک در میان صعود و ناکامی در مسیر جام جهانی دیگر با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان گذشت و جز بی‌کفایتی مدیران دلیل دیگری نیست.

هنوز هم بسیاری از کارشناسان تیم حاضر در جام ملت‌های ۱۹۸۴ سنگاپور را بهترین تیم ملی تاریخ می‌دانند. تیمی با محمد پنجعلی، اصغر حاجیلو، شاهین بیانی، شاهرخ بیانی، حمید درخشان، جعفر مختاری‌فر، حمید علیدوستی، ناصر محمدخانی، عبدالعلی چنگیز، فرشاد پیوس، غلام فتح‌آبادی، کریم باوی، سیروس قایقران، مهدی ابطحی و امثالهم که ستاره‌هایی چون بهتاش فریبا یا مرتضی یکه نیمکت‌نشینش بودند!



تیمی که در بازی‌های آسیایی ۹۰ به قهرمانی رسید هم اگر پس از جام ملت‌های ۹۲ مجتبی محرمی، مرتضی کرمانی و فرشاد پیوس را از دست نمی‌داد و اگر عابدزاده مصدوم نمی‌شد، قطعاً به جام جهانی ۹۴ صعود می‌کرد.

وقتی در جام جهانی ۹۸ طلسم حضور شکست، همه بازیکنان از نسل جدید بودند. ناکامی در رسیدن به جام جهانی ۲۰۰۲ مانع از آن شد تا برخی ستاره‌ها به افتخار بازی در دو جام جهانی برسند.

در ۲۰۰۶ علی دایی و مهدی مهدوی‌کیا بالاخره این طلسم را شکستند اما ناکامی در صعود به ۲۰۱۰ باعث شد این فرصت باز هم از نامدارانی چون علی کریمی یا کریم باقری دریغ شود.

در ۲۰۱۴ جواد نکونام، مسعود شجاعی، آندو تیموریان و امیرحسین صادقی صاحب این افتخار شدند اما بازکسی از رکورد ۶ بازی در جام جهانی عبور نکرد. وقتی پسران شایسته کی‌روش برای اولین بار در تاریخ به دومین جام جهانی متوالی صعود کردند، این فرصت برای «مسعود سلیمانی شجاعی» ایجاد شد تا اولین بازیکن تاریخ باشد که حضور در ۳ جام جهانی را تجربه می‌کند.

در این دوره چهره‌هایی چون علیرضا جهانبخش قبل از رسیدن به ۲۵ سالگی به تجربه بازی در دومین جام جهانی خود رسیده بودند و تعداد ۲ جامه‌ها در تاریخ فوتبال ایران دورقمی شد.

و حالا با صعود به جام جهانی ۲۰۲۲ احسان حاجی‌صفی می‌تواند به رکورد شجاعی برسد. ان‌شاءالله با صعود از دور مقدماتی در کنار نخستین تاریخ‌سازی، تعداد کسانی که از مرز شش بازی در جام جهانی عبور می‌کنند نیز بیشتر و کسانی برای اولین بار بازی در مرحله حذفی جام را هم تجربه خواهند کرد.

در انتظار آوازی که هم وزن تیم ملی باشد

تا پیش از جام جهانی ۱۹۹۸، ما نمی‌دانستیم که چیزی تحت عنوان سرود تیم ملی هم هست؛ بعد از رسیدن به فرانسه ۹۸، تعدادی از خوانندگان خارج از ایران، در قالب کنسرت، آوازی برای تیم ملی خواندند که چنگی هم به دل نمی‌زد.

پس از جام جهانی ۹۸ فرانسه، تیم ملی به جام جهانی ۲۰۰۲ کره و ژاپن صعود نکرد که شعری برایش بسرایند یا سرود و آوازی ساخته شود. ماجرای سرود تیم ملی تا جام جهانی ۲۰۰۶ معنا و مفهومی نداشت؛ با صعود به جام جهانی آلمان، فدراسیون فوتبال برنامه‌های فرهنگی دم‌دستی و پیش و پا افتاده‌ای تدارک دید که ای کاش نمی‌دید! فدراسیون فوتبال برای این جام برنامه‌های فرهنگی مبتدیانه‌ای داشت؛ از پخش پیراهن و پرچم ایران گرفته تا تی‌شرت و لباس تیم ملی. با اتمام جام، اتفاقات حاشیه ورزشگاه‌هایی که تیم ایران در آن به میدان رفت، مایه آبروریزی برای تعدادی از مسئولان فدراسیون وقت شد؛ قرار بود اقلام و پرچم‌ها رایگان به هواداران ایرانی که از سراسر دنیا به آلمان می‌آیند، اهدا شود اما فروش پرچم و تی‌شرت آبروریزی بزرگی برای فدراسیون فوتبال رقم زد. با تعلیق فدراسیون و برکناری دادکان توسط علی آبادی، این کار سخیف و زشت زیر سایه تعلیق گم شد.

برگردیم به سرود تیم ملی؛ فدراسیون برای این موضوع در این دوره برنامه‌ای نداشت؛ البته تعدادی از بازیکنان سابق تیم ملی که تازه فوتبال را کنار گذاشته بودند و آرام، آرام خود را به عرصه هنر نزدیک می‌کردند، در مجموعه انقلاب کنسرتی سه‌نفری برگزار کردند؛ مهرداد میناوند، پژمان جمشیدی و نیما نکیسا. از این جمع تنها نیما نکیسا بود که پیش از آن سابقه کار خوانندگی داشت و اندک آلبوم‌هایی بیرون داده بود. این کنسرت که با تم حماسی ساخته شد، شاید از منظر هنر و موسیقی ایرادهای فراوانی به آن وارد بود، اما اجرای آن در مجموعه انقلاب، فضای شادی برای جمعیت حاضر ایجاد کرد و مورد اقبال حاضران واقع شد.

در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی هم تیم ملی ایران غایب بود که به همین دلیل کسی برای این جام سرود و آوازی ترتیب ندید تا رسیدیم به ۲۰۱۴ برزیل؛ نخستین بار که بحث سرود تیم ملی به صورت رسمی مطرح شد، حضور تیم ملی در برزیل ۲۰۱۴ بود. فدراسیون فوتبال فراخوان داد و سرانجام از میان خوانندگان و سرودهای مختلف، با احسان خواجه‌امیری به توافق رسید؛ قطعه‌ای که او برای این جام مهیا کرد، اصلاً و ابداً در حدی نبود که از این خواننده انتظار می‌رفت. این آهنگ او نه آنقدر حماسی بود که مورد توجه مخاطب عام و هوادار فوتبال قرار گیرد و نه آنقدر هنری که در ذهن‌ها ماندگار شود.

برای جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه شاید نخستین بار شاهد یک سرود نسبتاً خوب بودیم؛ کاری از سالار عقیلی که همچنان پس از بردهای تیم ملی از صداوسیما پخش می‌شود.

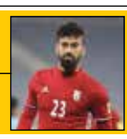
ورای همه این ماجراها، یک پرسش همچنان وجود دارد: آیا برای تیم ملی هر دوره باید یک سرود ساخت یا تیم ملی به‌عنوان نمادی از «ایران» باید صاحب سرود و آوازی باشد که هر ایرانی با شنیدنش در ناخودآگاه حس کند که تیم ملی ایران به پیروزی رسیده و افتخاری جدید کسب کرده است؛ به نظر می‌رسد حالت دوم بهتر باشد و فدراسیون فوتبال برای یک بار هم که شده، با فراخوان از تمام گروه‌های هنری بخواهد که سرودی جدید و ممتاز بسازند تا از میان آنها، یک سرود که از جنبه هنری، ملی، حماسی و فوتبالی تمام فاکتورهای یک سرود ملی را دارد، انتخاب شود و پس از موفقیت‌های ملی در رسانه‌های دیداری و شنیداری پخش شود. این سرود باید شور و هیجان را به هوادار فوتبال - و حتی آنهاکه فوتبال را دنبال نمی‌کنند - منتقل کند. جام جهانی ۲۰۲۲ قطر می‌تواند بهانه‌ای برای ساخت این سرود ملی - حماسی باشد.



مجید حسینی
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۸



امیر عابدزاده
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۸



رامین رضائیان
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۸